

عنوان جستاری بر یافتن خویشتن خویش در معماری ایرانی

(محمد هادی فرمانی^{۱*}، مصطفی مختاباد^۲)

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران شمال m.hadifarmani@yahoo.com

۲- استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس mokhtabm@modares.ac.ir

چکیده

مطالعات فراوان بر روی ارتباط میان عرفان و معماری برای احیاء نمودن معماری صورت گرفته است تا در این عصر فضاهای ساخته شده زیر سایه فرهنگ، هویت بخشند. آن چه تاکنون صورت گرفته، بررسی تجلی اسما و صفات در فضای معماری به صورت نمادگرایی می باشد و هم چنین تحقیق به صورت، بررسی عالم خیال و منابع الهام خلق اثر می باشد. این مقاله سعی در آن دارد، جنبه ای جدید از نگاه به مفاهیم عرفانی را به میان آورد. زمانی که در اندیشه های عرفانی این سرزمین تفکر می کنیم، خودشناسی را گام نخست و مهمترین هدف می یابیم. این اصل سبب می گردد، هدف معماری کردن ایجاد فضای برای تفکر و تأمل و تاویل باشد. معماری ایرانی با پرداختن به درون حجم و فضا، اتمسفری ایجاد می نموده است که سبب رجعت به درون در استفاده کنندگان می شود. آن گونه بود که انسان با تفکر به خویشتن به لقا الله و آرامش نائل می گردید. عناصر گوناگون در خدمت معمار بود تا سبب ابداع چنین فضای که موسوم به اثیر است، باشد. معمار ایرانی موظف به ایجاد فضای برای از بین بردن موانع شود که در سر راه تفکر و تأمل استفاده کنندگان از فضا قرار گرفته است، او موظف است به ساخت فضای اثیری تا سبب تجلی قلب شخص باشد که مامن خداست. با مطالعه کتب مربوطه به عرفان و آشنایی به مفهوم خودشناسی و بررسی نحوه آموزش معماران سنتی و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده، چنین بنظر می رسد، ایجاد فضای اثیری، از هم نشینی معماران با عرفا و آموزش ایشان در خانقاه ها بوده است.

واژه های کلیدی: آموزش، اثیر، روان شناسی، خودشناسی، عرفان، معماری

*این مقاله از رساله کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان ((طراحی مرکز گفتمان با رویکرد خودشناسی در عرفان ایرانی)) به راهنمایی دکتر مصطفی مختاباد و مشاوره دکتر مهناز محمودی زرنندی استخراج گردیده است.